

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی

موضوع:

احکام و آثار امضای اشخاص حقوقی در اسناد تجارتي

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر کوروش کاویانی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمدرضا پاسبان

نگارش:

سپیده امامویردی

تابستان ۱۳۹۳

شکر و قدردانی:

و امروز سپاس خود را تقدیم می‌دارم:

به بزرگانی که بتوانند من برای برداشتن قدمی به سوی علم و آگاهی بوده‌اند؛

به استاد راهنمای عزیز و عالیقدر، جناب دکتر کایانی؛ که در مکارش پژوهش حاضر، از کوچکترین راهنمایی‌های دریغ نفرمودند و پایان نامه حاضر،

بی‌شک حاصل زحمات و یاری‌های پایداری ایشان در کنار بنده می‌باشد.

به استاد مشاور مهربان و کراتقدر، جناب دکتر پاسبان؛ که با نظرات مفید و ارزشمندشان، در مکارش هرچه بهتر پایان نامه‌های مرا یاری رسانده و

بدینگونه قوت و اعتبار بیشتر به کار بخشیده‌اند.

به دیگر اساتید محترم و تمام کسانی که در بهر عمر رساندن این تحقیق، به نحوی مرا یاری رسانند.

تقدیم:

این مجموعه را تقدیم می‌دارم:

به آرمان آزادی و آزادگی؛

به هر اندیشه‌ای که تبلور انسانیت است؛

و به ذات بلند عدالت که ترازوی تساوی بشر است...

و نیز تقدیم می‌دارم به:

پدر و مادر عزیزم که تمام هستی ام و هر آنچه هستم را، مدیون ایشان و زحمات بی‌دریغانشان هستم. آرزوی من است که نهایت لطف و عشق و ایثارند و از

هر آنچه می‌توانستند، گذشتند، که من علم پیامورم...

چکیده:

با توجه به اهمیت و نقش بسیار اساسی اسناد تجاری در عرصه تجارت امروزی و کاربرد وسیع آنها توسط اشخاص، به ویژه اشخاص حقوقی، و به لحاظ اینکه از یک سو؛ برخوردار یاین اسناد از ویژگی‌ها، اصول و امتیازات ویژه، منوط به وجود شرایط اساسی در آنها از جمله «امضا» می‌باشد، و از سوی دیگر؛ امضای اشخاص حقوقی، توسط نمایندگانشان، در چهارچوب قواعد خاص نظام شخص حقوقی، و به شیوه‌ای متفاوت تر از امضای اشخاص حقیقی انجام می‌گیرد؛ لذا بررسی احکام و آثار امضای این اشخاص در اسناد تجاری، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

آنچه از قوانین مبهم و ناقص و رویه کنونی قابل انتقاد ایران بر می‌آید، فاصله گرفتن احکام امضای اشخاص حقوقی در اسناد تجاری از قواعد امضای اشخاص حقیقی در این اسناد، و در نتیجه تزلزل امتیازات ویژه اسناد تجاری به ویژه چک، در سایه قواعد ساختاری و مصوبات اساسنامه‌ای اشخاص حقوقی (بالاخص شرکتهای تجاری) در خصوص امضا می‌باشد. در این پایان نامه، تلاش می‌شود با کشف زوایای پنهان قانون تجارت کنونی، و با لحاظ اقتضائات تجارت روز، در جهت تفسیری شایسته‌تر و یکسان‌سازی قواعد امضای اسناد تجاری و حفظ حقوق دارندگان آنها گام‌هایی برداشته شود.

فهرست عناوین

صفحه	عنوان
۱	مقدمه -----
۲	۱. بیان مسأله -----
۳	۲. پرسش های پژوهش -----
۳	الف. پرسش اصلی -----
۳	ب. پرسش های فرعی -----
۳	۳. فرضیه های پژوهش -----
۳	الف. فرضیه اصلی -----
۳	ب. فرضیه های فرعی -----
۴	۴. اهداف پژوهش -----
۵	۵. پیشینه پژوهش -----
۵	۶. روش پژوهش -----
۵	۷. سازماندهی پژوهش و تقسیم مطالب: -----

بخش اول: کلیات (شناسایی مفاهیم اصلی؛ شخص حقوقی، اسناد تجاری و امضا)

۷	فصل اول: شناسایی شخص حقوقی -----
۷	مبحث اول: شخص حقوقی؛ پیدایش و پایان آن -----
۷	گفتار اول: تعریف شخص حقوقی و انواع آن -----
۹	گفتار دوم: آغاز و پایان شخص حقوقی -----
۱۲	مبحث دوم: ماهیت و ابراز اراده اشخاص حقوقی -----
۱۲	گفتار اول: ماهیت شخص حقوقی -----
۱۶	گفتار دوم: ابراز اراده شخص حقوقی -----
۱۶	بند اول: اصول ابراز اراده در اشخاص حقوقی -----
۱۸	بند دوم: ابراز اراده در شرکتهای تجاری -----
۱۸	الف: نظریات حقوقدانان -----
۲۳	ب: موضع قانون تجارت با نگاهی به قانون شرکتهای انگلیس -----
۲۸	فصل دوم: اسناد تجاری؛ لازمه فعالیتهای تجاری اشخاص حقیقی و حقوقی -----
۲۸	مبحث اول: شناسایی اسناد تجاری -----
۲۸	گفتار اول: اهمیت و تعریف اسناد تجاری -----
۲۹	گفتار دوم: انواع سند تجاری به معنای اخص -----

۲۹	الف: برات
۲۹	ب: سفته (فته طلب)
۳۰	ج: چک
۳۰	مبحث دوم: اوصاف و امتیازات اسناد تجارتي
۳۰	گفتار اول: اوصاف اسناد تجارتي
۳۰	الف: وصف شکلي بودن اسناد تجارتي
۳۱	ب: وصف تجريدي اسناد تجارتي
۳۲	ج: تنجيزي بودن اسناد تجارتي
۳۳	د: وصف جايگزين بودن
۳۳	ه: وصف قابليت ظهنريسي اسناد تجارتي
۳۴	گفتار دوم: اصل استقلال امضانات
۳۴	گفتار سوم: اصل عدم قابليت استناد به ايرادات در برابر دارنده با حسن نيت
۳۷	فصل سوم: امضا؛ از شرايط اساسي سند تجارتي
۳۷	مبحث اول: تعريف امضا
۳۹	مبحث دوم: جايگاه امضا در اسناد تجارتي

بخش دوم : تحقق ، احراز و آثار امضای شخص حقوقی در سند تجارتي

۴۲	فصل اول: تحقق امضا و نحوه احراز آن توسط شخص ثالث
۴۲	مبحث اول: نحوه تحقق امضا و احراز آن
۴۲	گفتار اول: نحوه تحقق امضای شخص حقوقی
۴۲	بند اول: تحقق امضا در قانون تجارت با نگاهی به قوانین انگلیس و استرالیا
۴۵	بند سوم: تحقق امضا در عرف تجاری و رویه قضایی
۴۹	گفتار دوم: طریق احراز امضای شخص حقوقی توسط ثالث
۴۹	بند اول: احراز تفاوت امضای شخص حقوقی با امضای شخص حقیقی
۵۰	بند دوم: احراز قابليت انتساب امضا به شخص حقوقی
۵۱	مبحث دوم: امضای خارج از شروط اساسی تحقق
۵۱	گفتار اول: شروط اساسی تحقق امضا
۵۳	گفتار دوم: تحقق و اعتبار امضای خارج از شروط اساسی
	بند اول: امضا با فقدان سمت یا به نمایندگی از اشخاص حقوقی موهوم (ایجاد نشده) یا اشخاص حقوقی منحل شده
۵۳	
۵۴	بند دوم: امضا با عدم تصریح به سمت و عدم ذکر نام اصیل
۵۷	مبحث سوم: تحقق و اعتبار امضای خارج از شروط محدود کننده اختیارات مدیران
۵۷	گفتار اول: امضای خارج از شروط اساسنامه‌ای

۵۷	-----	بند اول: اعتبار شروط اساسنامه‌ای محدود کننده اختیارات
۶۳	-----	بند دوم: تحقق و اعتبار امضای خارج از شروط اساسنامه‌ای (امضای ناقص و اعتبار آن)
۶۴	-----	الف: شروطی که امضای مدیر عامل و یک یا دو نفر از اعضای هیئت مدیره و مهر شرکت را لازم می‌داند:
۶۴	-----	فرض اول: فقدان امضای مدیر عامل
۶۷	-----	فرض دوم: فقدان امضای عضو یا اعضای هیئت مدیره
۷۴	-----	فرض سوم: فقدان تمام امضاها
۷۸	-----	فرض چهارم: فقدان مهر
		ب: شروطی که امضای مدیر عامل و مهر شرکت، و شروطی که امضای مدیرعامل یا مهر شرکت را لازم می‌داند:
۸۰	-----	ج: شروطی که در چک، امضای نماینده منتخب دارندگان حق امضا و مهر شرکت را معتبر می‌دانند
۸۱	-----	گفتار دوم: تحقق و اعتبار امضای خارج از شروط محدود کننده قانونی
۸۲	-----	بند اول: امضای خارج از موضوع شخص حقوقی
۸۶	-----	بند دوم: امضای خارج از امر تصفیه در دوران تصفیه
۸۹	-----	فصل دوم: آثار امضا
۸۹	-----	مبحث اول: آثار حقوقی امضای شخص حقوقی
۸۹	-----	گفتار اول: آثار ناشی از تحقق امضای شخص حقوقی
۹۰	-----	بند اول: قاعده مسئولیت شخص حقوقی در موارد تحقق صحیح امضا
		بند دوم: استثناء «مسئولیت تضامنی نماینده امضا کننده و شخص حقوقی» در صدور چک (ماده ۱۹ ق.ص.چ)
۹۵	-----	
۹۶	-----	گفتار دوم: آثار ناشی از عدم تحقق امضای شخص حقوقی
۱۰۰	-----	مبحث دوم: آثار اجرائی امضای شخص حقوقی (در چک)
۱۰۱	-----	گفتار اول: آثار اجرائی صدور چک فاقد مهر شرکت
۱۰۱	-----	بند اول: تکالیف بانک در پرداخت وجه چک و صدور گواهی مطابقت امضا
۱۰۴	-----	بند دوم: تکلیف اجرای ثبت در صدور اجرائیه
۱۰۵	-----	گفتار دوم: آثار اجرائی صدور چک بلامحل
۱۰۵	-----	بند اول: صدور اجرائیه علیه شخص حقوقی و نماینده
۱۰۷	-----	بند دوم: اعمال ممنوعیتهای قانونی بر شخص حقوقی و نماینده
۱۰۹	-----	گفتار سوم: آثار اجرائی امضای نماینده دارندگان امضای مجاز در چک
۱۱۱	-----	نتایج و پیشنهادات:
۱۱۶	-----	فهرست منابع
۱۲۲	-----	ضمائم

مقدمه

از ویژگی‌های بارز و مهم توسعه صنعتی جهان امروز، ایجاد سرعت فوق‌العاده در امر مبادلات تجاری ملی و بین‌المللی از طریق ایجاد اسناد تجاری از یک سو؛ و اجتماعی کردن فعالیتهای مختلف صنعتی و تجاری و به تبع آن گسترش اشخاص حقوقی از سوی دیگر؛ می‌باشد. در واقع؛ توسعه‌ی روز افزون تجارت و مبادلات تجاری داخلی و بین‌المللی و ضرورت سرعت و سهولت در امر بازرگانی و نقشی که گردش سرمایه و حجم مبادلات تجاری در سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشورها دارد، دولت‌ها را بر آن داشته است تا با تدوین ضوابط و مقررات خاصی، امنیت خاطر تاجر و بازرگان را در روابط تجاری فراهم نمایند. اسنادی چون سفته و چک و برات، با ویژگی‌ها و کارکردهای خاص، علاوه بر تأثیر اجتناب‌ناپذیری که بر اقتصاد هر کشور دارد تا حد بسیار زیادی این نقش را نیز ایفا می‌نمایند.

استفاده از اسناد تجاری در رابطه با اشخاص حقوقی که نقش بارزی در اقتصاد جهانی ایفا می‌نمایند بسیار چشم‌گیرتر است. بدین ترتیب؛ از آنجا که شمار شرکت‌های تجاری همواره رو به افزایش است و آن‌ها برای انجام فعالیت‌های تجاری خود ناگزیر از صدور اسناد تجاری می‌باشند، لذا امروزه بسیاری از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی، بالخصوص شرکت‌های تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ویژگی‌ها و امتیازات خاصی که قانونگذاران برای اسناد تجاری در جهت هرچه نزدیکتر کردن آنها به «پول» ایجاد نموده‌اند، از اهمیتی اساسی برخوردار است تا جایی که اگر در برخورد با مسائل و موضوعات دیگر در عرصه حقوق تجارت، لطمه‌ای به این امتیازات ویژه وارد آید، هر نظام حقوقی پیشرفته، باید بتواند راه حلی برای آن بیابد.

غالباً هیچ نوشته‌ای بدون امضا یا ابزار جایگزین آن مثل اثر انگشت یا مهر اعتبار و سندیت ندارد و انتساب آن به شخص یا اشخاص معین ممکن نیست. با امضا، مهر و یا اثر انگشت است که نوشته سندیت پیدا می‌کند و می‌توان آن را به شخص معینی منتسب نمود. اسناد تجاری نیز از این قاعده مستثنی نیستند و امضا در این اسناد از شرایط اساسی می‌باشد. از آنجا که اعمال اراده اشخاص حقوقی با اعمال اراده اشخاص حقیقی متفاوت بوده و امضای این اشخاص در اسناد تجاری توسط مدیران (اصطلاحاً نمایندگانشان) انجام می‌گیرد، این موضوع قابل بررسی می‌نماید. به‌ویژه از این جهت که در قانون تجارت کنونی ایران هیچ مقرره‌ای که خاص موضوع باشد، وجود ندارد و قانون مذکور که سالها پیش تصویب شده، در برابر

اقتضانات تجارت امروزی، پاسخگوی مناسبی نبوده و نقایص، ابهامات و حتی ایرادات اساسی دارد؛ و لذا شایسته دیدیم در پژوهش حاضر از کنوانسیون های ژنو ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ و کنوانسیون آنستیرال ۱۹۸۸، قانون شرکتهای ۲۰۰۶ انگلیس و قانون شرکتهای ۲۰۰۱ استرالیا الهام بگیریم.

۱. بیان مسأله

در قلمرو حقوق تجارت، اسناد متعددی (نه لزوماً بین تجار و نه لزوماً توسط اشخاص حقیقی) رد و بدل می شوند که از جمله مزایای آنها، اسناد تجارتي به معنی خاص (برات، سفته و چک) می باشد. ویژگی ها و مزایای خاصی که برای این اسناد در جهت حمایت از دارندگان آنها مقرر شده از یک سو؛ و کاربرد وسیع آنها توسط اشخاص حقیقی که به واسطه نمایندگانشان صورت می گیرد از سوی دیگر؛ مسائل پیچیده ای به بار می آورد. یکی از موضوعات مهم در ارتباط با اسناد تجارتي، که قانون تجارت هم به بیان آنها پرداخته است شرایط اساسی آنها از جمله «امضا» است که هم جنبه شکلی و هم جنبه ماهوی دارد. این شرط اساسی در اسناد تجارتي امضا شده از سوی اشخاص حقیقی به جهت تفاوت در ابراز اراده این اشخاص با ابراز اراده اشخاص حقیقی، گاهاً مسائلی پیش می آورد، از جمله در مواردی همچون صدور یا ظهنویسی سند با مهر شرکت در جایی که امضای دارندگان امضای مجاز لازم است، و یا نقص امضا در صدور سند در مواردی که دو یا چند امضا لازم است؛ مسائلی جدی مطرح می شود که نیازمند تحلیل نمایندگی مدیران در اشخاص حقیقی و قلمرو مسئولیت شخص حقیقی و نمایندگان آن در مواردی مثل فقدان امضا (ظهنویسی سند با مهر شرکت و بدون امضا) یا نقص امضا در اسناد تجارتي (در جایی که دو یا چند امضا لازم است) می باشد.

از سوی دیگر؛ از آنجا که اختیارات نماینده شخص حقیقی محدود به موضوع آن است و نیز در مواردی که اختیارات نماینده به موجب اساسنامه یا مصوبات مجامع محدود شده؛ اعتبار امضایی که وی با تجاوز از حدود اختیاراتش صادر می کند و مسئولیتی که چنین امضایی می تواند ایجاد کند از مسائلی است که باید بدان پرداخت. و برای تحلیل بهتر، اساساً باید نقش و جایگاه مدیران که به ظاهر در قالب نمایندگان اشخاص حقیقی مبادرت به امضای اسناد تجارتي می کنند مورد بررسی دقیق قرار گیرد و سپس احکام و آثار امضاهای صادره از آنها تحلیل گردد.

۲. پرسش های پژوهش

الف. پرسش اصلی

آیا آثار و احکام امضای سند تجارتي از سوی شخص حقوقی با آثار و احکام آن از سوی شخص حقیقی متفاوت است؟!

ب. پرسش های فرعی

- ۱- نظام توزیع مسئولیت میان شخص حقوقی و امضا کنندگان سند تجارتي به نمایندگی از شخص حقوقی در حقوق ایران چگونه است؟
- ۲- حدود مسئولیت شخص حقوقی و امضا کنندگان در فرض فقدان امضا (صدور یا ظهنویسی سند با مهر شرکت و بدون امضا) و نقص امضا (در مواردی که بیش از یک امضا لازم است) چگونه است؟
- ۳- حدود مسئولیت شخص حقوقی و امضا کنندگان در فرض خروج نماینده از اختیارات مصرح در اساسنامه یا مصوبات مجمع یا هیئت مدیره چگونه است؟

۳. فرضیه های پژوهش

الف. فرضیه اصلی

با توجه به برخورداری اشخاص حقوقی از حقوق و تکالیف تقریباً یکسان با شخص حقیقی از یک سو و تفاوتی که در انجام اعمال حقوقی بین اشخاص حقوقی و حقیقی وجود دارد از سوی دیگر، آثار و احکام امضای شخص حقوقی در سند تجارتي، جز در موارد استثنایی با آثار و احکام امضای شخص حقیقی یکسان است.

ب. فرضیه های فرعی

- ۱- قاعده کلی در حقوق ایران، تحمیل مسئولیت بر شخص حقوقی همانند شخص حقیقی، و پیروی از احکام یکسان در این خصوص می باشد. اما این قاعده مطلق نیست و ترتب مسئولیت امضای سند تجارتي بر شخص حقوقی مستلزم شرایطی خاص است که با فقدان هر یک از آن شرایط، مسئولیت ناشی از امضا با نماینده (نه شخص حقوقی) خواهد بود مثل موردی که امضا کننده به سمت نمایندگی خود تصریح نکند. در موردی استثنایی هم قانونگذار موضعی خاص اتخاذ کرده و طبق م ۱۹ قانون صدور چک، مسئولیتی تضامنی بر هر دو (هم نماینده و هم شخص حقوقی) بار می کند.

۲- در موارد نقص امضا در اسناد تجارتي (جایی که بیش از یک امضا لازم است)، یا فقدان امضا (صدور یا ظهنویسی سند با مهر) که بر خلاف مقررات یا اساسنامه یا مصوبات مجمع عمومی صورت می‌گیرد، نماینده امضا کننده یا مهر کننده، خودش مسئول است و در این موارد مسئول دانستن شخص حقوقی منطقی به نظر نمی‌رسد. چرا که وقتی شرایط مقرر در قانون یا اساسنامه و یا مفاد مصوبات مجمع عمومی شخص حقوقی رعایت نمی‌شود عمل صدور یا ظهنویسی و... صحیح نبوده و مسئولیتی برای شخص حقوقی ایجاد نمی‌کند.

۳- در فرض خروج نماینده از اختیارات اعطایی (به موجب اساسنامه یا مصوبات مجمع یا هیئت مدیره)، علی‌القاعده مسئولیت تقصیر با خودش خواهد بود. اما طبق این نظر که نماینده شخص حقوقی، رکن آن محسوب می‌شود و در نتیجه تقصیر نماینده تقصیر شخص حقوقی است، لذا در بیشتر موارد تقصیر نماینده و مخصوصاً آنجا که اصل بر اختیار نماینده است (مگر محدود شده باشد) می‌توان قائل به مسئولیت شخص حقوقی شد و در جایی که قاعده، عدم اختیار نماینده است (مگر اختیار به او داده شود)، باید قائل به مسئولیت خود نماینده باشیم.

۴. اهداف پژوهش

با توجه به اینکه موضوع حاضر تا به حال در هیچ یک از کتب یا سایر منابع حقوقی به طور خاص مورد تبیین و بررسی دقیق قرار نگرفته، و در رویه قضایی هم با تشتت آرا و معمولاً صدور آرای مخالف قانون مواجهیم؛ لذا در این پایان نامه برآنیم که با بررسی مسائلی از قبیل نقص یا فقدان امضا در صدور یا ظهنویسی یا هر نوع عمل دیگر در سند تجارتي توسط نماینده شخص حقوقی و نحوه مسئولیت در موارد امضا به عنوان صدور، ظهنویسی و... با خروج از حدود اختیارات نمایندگی، و مواردی دیگر که در بیان مسأله آمد، به احکام و قواعد یکسان دست یابیم و برای تشخیص مسئول سند تجارتي در این موارد، ملاکی خاص ارائه دهیم تا بدین وسیله راهی پیش روی دادگاهها گذاشته و آنها را در صدور حکم موافق اهداف قانونگذار یاری رسانیم.

۵. پیشینه پژوهش

همانطور که اشاره شد؛ در ایران موضوع حاضر آنچنان که سزاوار است در قانون تجارت و حتی لایحه قانون جدید تجارت که (هنوز به تصویب نرسیده است)، مورد عنایت و توجه قرار نگرفته و با توجه به خلاء قانون تجارت در این زمینه، کتب و آثار حقوقی خاصی در این زمینه نگاشته نشده، و تنها از منابعی که فقط مرتبط با موضوع هستند یعنی کتب یا سایر منابعی که در خصوص اسناد تجارتي، اشخاص حقوقی یا شرکتها نگاشته شده‌اند، می‌توان استفاده نمود.

۶. روش پژوهش

جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و نیز از طریق مصاحبه و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته، و سعی شده که با تطبیق مطالب مرتبط از منابع مختلف و تحلیل دقیق آنها، دستاوردی مفید ارائه گردد.

۷. سازماندهی پژوهش و تقسیم مطالب:

قبل از تحلیل دقیق موضوع پایان نامه، ضروری است عناوین و شاخص‌های بنیادین آن در بخش اول مورد بررسی قرار گیرد. سپس در بخش دوم، به مباحث اصلی موضوع و مسائل خاص پیرامون آن خواهیم پرداخت تا نهایتاً به پاسخ پرسش‌ها و اثبات یا رد فرضیه‌های تحقیق دست یابیم.

بنابراین در بخش اول، کلیاتی از سه واژه اصلی موضوع (اشخاص حقوقی، اسناد تجارتي و امضا) خواهیم آورد. سپس در بخش دوم، به طور دقیق به موضوع تحقیق (احکام و آثار امضای اشخاص حقوقی در اسناد تجارتي) در دو فصل خواهیم پرداخت. بدین لحاظ؛ در فصل اول، ابتدا مباحثی اساسی همچون شروط اساسی تحقق امضا (از جمله وجود شخص حقوقی، وجود سمت نمایندگی، و امضای سند با تصریح به سمت و نام اصیل (شخص حقوقی))، و نحوه احراز امضای اشخاص حقوقی را آورده و سپس به مسائل و مباحثی همچون شروط محدود کننده اختیارات مدیران و تحقق و اعتبار امضای خارج از این شروط (امضای ناقص)، خواهیم پرداخت. نهایتاً آثار انواع امضاهای بررسی شده را در فصل آخر خواهیم آورد.

بخش اول: کلیات

(شناسایی مفاهیم اصلی؛ شخص حقوقی،

اسناد تجارتي و امضا)

فصل اول: شناسایی شخص حقوقی

برای آشنایی بیشتر با مفهوم شخص حقوقی، تشکیل، پایان و اداره آن، این فصل را در دو مبحث بدان اختصاص می‌دهیم. در مبحث نخست به تعریف شخص حقوقی و آغاز و پایان آن پرداخته و در مبحث دوم، ماهیت و ابراز اراده اشخاص حقوقی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

مبحث اول: شخص حقوقی؛ پیدایش و پایان آن

یک شخص حقوقی، که قادر به انجام اعمال حقوقی از جمله امضای اسناد تجارتي باشد، دارای تعریف و نقطه آغاز و پایانی است که بیان آن در ابتدا، لازمه پرداختن به موضوع اصلی تحقیق می‌باشد، چرا که برای تحقیق در امضای شخص حقوقی، ابتدائاً باید اطلاق عنوان شخص حقوقی بر موجود خارجی امکان‌پذیر باشد. لذا در این مبحث به ارائه تعریف و بیان انواع اشخاص حقوقی و نقطه آغاز و پایان آن می‌پردازیم:

گفتار اول: تعریف شخص حقوقی و انواع آن

اشخاص به دو صورت موجودیت می‌یابند. یکی به صورت طبیعی مانند افراد انسان که متولد می‌شوند و زندگی می‌کنند و می‌میرند که این گونه را اشخاص حقیقی می‌نامند. دیگری، اشخاصی هستند که به صورت اعتباری یا حقوقی وجود می‌یابند بدین معنا که مردم برای عنوانی که اعتبار کرده‌اند، اگر چه در خارج ذهن وجود طبیعی نداشته باشد، شخصیت قائل می‌شوند که این نوع شخصیت را با عنوان شخصیت حقوقی می‌شناسیم.^۱

در تعریف شخصیت حقوقی تعاریف گوناگونی ارائه نموده‌اند، هر چند در تمامی این تعاریف عناصر مشترکی به چشم می‌خورد. بنا به تعریف یکی از نویسندگان، «شخص حقوقی عبارت است از گروهی از افراد انسان یا منفعتی از منافع عمومی که قوانین متداول آن را در حکم شخص طبیعی و موضوع حقوق و تکالیف قرار داده باشد.»^۲ دیگری می‌نویسد: «شخص حقوقی یک موجود حقوقی می‌باشد و قانون از نظر منافع جامعه وجود آن را شناخته است و به او اجازه می‌دهد که بتواند دارای خصوص داشته باشد و از

۱. هرندی، محمد جعفر؛ «جایگاه شخصیت حقوقی»، مجله فقه و اصول، شماره ۱، ۱۳۸۴، ص ۵۷.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ مقدمه علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۲، ص ۱۳۳.

منافع اختصاصی خود دفاع نماید و مانند اشخاص طبیعی دارای وجود حقوقی جداگانه باشد. بدین جهت هر شخص حقوقی دارای اراده مخصوص به خود می‌باشد که مجزا از اراده افراد آن است.^۱

به طور کلی؛ شخص حقوقی را می‌توان چنین تعریف کرد: «مجموعه‌ای از اموال یا اشخاص با دارا بودن حقوق و تکالیف مستقل که قانونگذار آن را به رسمیت می‌شناسد».

اشخاص حقوقی خود به دو دسته اشخاص حقوقی حقوق عمومی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی تقسیم می‌گردند. هرگاه شخص حقوقی موضوع حقوق عمومی باشد، آن را شخص حقوقی حقوق عمومی می‌نامند، اشخاص حقوقی حقوق عمومی توسط مقامات دولتی به منظور و اهداف خاصی تشکیل می‌شوند که نوعاً ارائه دادن خدمات عمومی است و در چارچوب ضوابط و قوانین و مقررات خاصی به وجود می‌آیند مانند وزارتخانه‌ها، شهرداری‌ها و سایر مؤسسات دولتی، که در این خصوص م ۵۸۷ قانون تجارت چنین می‌گوید:

«مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون هیچ احتیاجی به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.»

با توجه به این ماده، اشخاص حقوقی حقوق عمومی پس از تشکیل در حدود قوانین و مقررات مربوطه دارای شخصیت حقوقی می‌گردند و احتیاج به هیچ‌گونه تشریفات نخواهند داشت و با انحلال طبق قوانین و مقررات مربوطه شخصیت خود را از دست می‌دهند. اما از آنجا که این اشخاص بر اساس اصول حقوق عمومی و سلسله مراتب اداره می‌شوند، تا حدودی بیرون از موضوع پایان نامه حاضرند.

هرگاه شخص حقوقی فقط موضوع حق در حقوق خصوصی باشد، یعنی نقش اشخاص غیر دولتی در ایجاد آن پررنگ تر بوده و صرفاً در زمینه حقوق خصوصی مردم فعالیت نماید، آن را شخص حقوقی حقوق خصوصی نامند. آنچه در این پایان‌نامه اهمیت دارد بررسی اشخاص حقوقی حقوق خصوصی بالاخص شرکتهای تجارتي است. اشخاص حقوقی وابسته به حقوق خصوصی گسترده و متنوعند. ولی با این همه می‌توان آنها را در ۴ دسته طبقه بندی نمود: مؤسسات غیر تجارتي، موقوفات، ترکه متوفی و شرکتهای تجارتي، که از این میان به جهت کاربرد وسیع اسناد تجارتي در شرکتهای تجارتي، این قسم از اشخاص حقوقی را بیشتر مورد توجه قرار داده و به طور دقیق‌تر بدان خواهیم پرداخت.

^۱. امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی، جلد ۴، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۹، چاپ بیست و یکم، ص ۱۵۰.

قانون تجارت تعریفی از شرکت که مبین ماهیت و نیز اوصاف حقوقی آن باشد ارائه نداده، بدین لحاظ در تبیین ماهیت شرکت تجاری ناگزیر باید به دکترین حقوقی رجوع کرد. یکی از اساتید گفته‌اند: «شرکت عهدی است که به وسیله آن دو یا چند شخص توافق می‌کنند آورده‌هایی را به منظور تقسیم منافع احتمالی مشترکاً مورد تجارت قرار دهند»^۱. در این تعریف شخصیت حقوقی شرکت و تقسیم زیان نیامده، لذا به تعریف دیگری از شرکت تجاری توجه می‌کنیم: «شرکت تجاری قراردادی است تشریفاتی که به موجب آن دو یا چند نفر با قصد مشارکت توافق می‌کنند با ایجاد شخصیت حقوقی آورده‌هایی را اعم از نقدی یا غیرنقدی در میان گذاشته تا پس از عملیات تجاری و غیر تجاری، منافع و زیان‌های به دست آمده در این مشارکت را بین خود تقسیم کنند»^۲. دکتر اسکینی هم شرکت تجاری را چنین تعریف کرده‌اند: «قراردادی است که به موجب آن یک یا چند نفر توافق می‌کنند سرمایه مستقلی که از جمع آورده‌های آنان تشکیل می‌شود، ایجاد کنند و به مؤسسه‌ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می‌گردد، اختصاص دهند و در منافع و زیانهای احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهیم شوند»^۳.

به طور کلی؛ شرکت تجاری (که موضوع اصلی بحث ما هستند) را می‌توان «نهادی زاییده توافق دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی با هدف تحصیل سود، به عنوان موجود دارای حقوق و تکالیف و شخصیت حقوقی مستقل از مؤسسين و شرکا» تعریف کرد.

گفتار دوم: آغاز و پایان شخص حقوقی

نکته‌ی دیگری که در این مجال قابل بررسی است، زمان تشکیل و پایان شخص حقوقی است. در واقع این توصیف اهمیت زیادی در راستای تحلیل‌های بعدی خواهد داشت؛ چه آن که مدت زمان اعتبار اعمال حقوقی شخص حقوقی را مشخص خواهد کرد. تنها در فاصله‌ی این دو زمان است که شخص حقوقی می‌تواند عمل حقوقی انجام دهد. قبل از تشکیل و بعد از انحلال شخص حقوقی، این شخص موجودیتی نخواهد داشت که بتواند عمل حقوقی انجام دهد.

^۱. صقری، منصور؛ «تعریف شرکت تجاری»، *مجله تحولات حقوق خصوصی*، زیر نظر دکتر ناصر کاتوزیان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۸۵.

^۲. احمدی سجادی، سیدعلی؛ «مقایسه شرکت مدنی و شرکت تجاری در حقوق ایران»، *مجله مجتبع آموزشی عالی قم*، شماره ۴، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳.

^۳. اسکینی، ربیعا؛ *حقوق تجارت، شرکتهای تجاری*، جلد اول، تهران، سمت، ۱۳۸۵، چاپ دهم، ص ۲۱.

آغاز شخص حقوقی به معنای زمانی است که شخص به وصف شخصیت حقوقی تشخیص پیدا می کند. آغاز هر شخص حقوقی در نظام حقوقی ایران بنا به نوع آن بسته به شرایطی است که قانون یا اساسنامه‌ی آن شخص برایش تعیین کرده است. چه اشخاص حقوقی عمومی و چه اشخاص حقوقی خصوصی برای آغاز شخصیت خود تابع شرایطی هستند که غالباً با شخص حقوقی دیگر از همان سنخ نیز تفاوت دارد. برای مثال برخی اشخاص حقوقی بدون نیاز به هیچ تشریفات ایجاد می شوند. برعکس؛ مؤسسات غیر تجارتهای از زمان ثبت در اداره‌ی ثبت شرکتهای دارای شخصیت حقوقی خواهند شد. و اما در خصوص شرکتهای مختلف، قانونگذار از طرفی از تشکیل شرکت (و نه ایجاد شخصیت حقوقی) صحبت کرده و از طرف دیگر ثبت را الزامی دانسته است، به همین دلیل در رابطه با تعیین زمان آغاز شخصیت حقوقی شرکت های تجارتهای بین نویسندگان حقوق تجارت اختلاف نظر وجود دارد و سه نظریه متفاوت ارائه گردیده است:

گروهی معتقدند که به محض تشکیل، شرکتهای واجد شخصیت حقوقی می شوند و ثبت شرکت را در تحقق آن فاقد اثر می دانند و مراحل ثبت شرکت را صرفاً از این حیث لازم می دانند تا مشخص گردد که ضوابط و مقررات قانونی در تشکیل شرکت به درستی رعایت گردیده یا خیر^۱؟

گروه دوم معتقدند: شرکتهای تجارتهای از زمان به ثبت رسیدن در دفتر ثبت شرکتهای واجد شخصیت حقوقی می گردند که عده‌ای از این گروه دلیل خود را مفاد مواد ۲۰^۲ و ۲۳^۳ ل.ا.ق.ت قرار می دهند که در این مواد تأسیس را مترادف ثبت دانسته اند.^۴ برخی نیز دلیل خود را م ۲ قانون راجع به ثبت شرکتهای مصوب ۱۳۱۰ که مقرر می دارد « کلیه شرکتهای ایرانی مذکور در قانون تجارت... باید... مطابق قانون مزبور تقاضای ثبت کنند والا به... جزای نقدی محکوم... و در صورت تقاضای مدعی العموم حکم انحلال شرکت مختلف نیز صادر خواهد شد...» و نیز م ۳ همان قانون که بیان می دارد « از تاریخ اجرای این قانون هر شرکت خارجی برای اینکه بتواند به وسیله شعبه یا نماینده به امور تجارتهای یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت

۱. کاتبی، حسینی؛ **حقوق تجارت**، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۰، چاپ نهم، صص ۱۵۸ و ۱۵۹ و عبادی، محمد علی؛ **حقوق تجارت**، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵، چاپ دوازدهم، صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۲. ماده ۲۰ ل.ا.ق.ت «برای تأسیس و ثبت شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتهای کافی خواهد بود...»

۳. مؤسسين شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می دهند مسئولیت تضامنی دارند.

۴. امامی، نورالدین؛ «شرکت در شرف تأسیس»، **کانون وکلا**، شماره ۱۳۲، ۱۳۵۴، ص ۶۲.

نماید باید در مملکت اصلی خود، شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد.» می‌دانند.^۱

و در نهایت دسته سوم بیان می‌دارند: شرکت به محض تشکیل، واجد شخصیت حقوقی می‌گردد ولی این شخصیت زمانی کامل می‌شود که به ثبت برسد و این گروه برای نظر خود به مواد ۵۸۳^۲، ۵۸۴^۳ و ۲۲۰^۴ ق.ت.م و ۳ قانون ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰ که متن آن آمد، استناد می‌کنند.^۵

از بین دیدگاه‌های بالا به نظر می‌رسد ثبت، مناسب‌ترین ملاک برای تحقق ماهیت شخصیت حقوقی باشد و با ملاحظه‌ی مقررات مختلف قانونی، با اراده واقعی مقنن نیز سازگار می‌نماید. چنانکه با بررسی در مواد لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ هم مشخص می‌گردد انجام برخی امور در دوره زمانی بین تشکیل و ثبت آن، در شرکتهای سهامی از سوی قانونگذار منع گردیده و این نشان از عدم شناسایی شخصیت حقوقی برای شرکت، قبل از ثبت است از جمله:

۱- م ۵۵ انتشار اوراق قرضه قبل از ثبت شرکت را ممکن نمی‌داند.

۲- به موجب م ۲۸ « تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف، امضاکنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود.»

۳- به موجب م ۲۲ استفاده از وجوه تأدیه شده به نام شرکتهای سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن.

بدین منظور و در راستای پذیرش این نظر که شرکت، قبل از ثبت شخصیت حقوقی ندارد دلایل عدیده-

ای را می‌توان عنوان نمود که نویسندگان حقوق تجارت به تفصیل بدان پرداخته‌اند.^۶

۱. صقری، محمد؛ **حقوق بازرگانی، اسناد، برات، سفته...**، جلد اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۱۵.

۲. ماده ۵۸۳ ق.ت. « کلیه شرکتهای تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.»

۳. ماده ۵۸۴ ق.ت « تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجارتی تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند.»

۴. ماده ۲۲۰ ق.ت « هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجارتی خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد...»

۵. صفایی، سید حسین و سید مرتضی قاسم زاده، **حقوق مدنی، اشخاص و مجبورین**، تهران، سمت، ۱۳۷۷، چاپ سوم، ص ۱۳۶.

۶. پاسبان، محمد رضا؛ **حقوق شرکتهای تجاری**، تهران، سمت، ۱۳۹۰، چاپ ششم، صص ۲۱-۳۰ و کاویانی، کوروش؛ **حقوق شرکتهای تجاری**، تهران، میزان، ۱۳۸۹، چاپ دوم، صص ۹۳-۱۰۰.

با پذیرش نظریه ایجاد شخصیت حقوقی شرکت با ثبت، اعمال صورت گرفته در فاصله تشکیل تا ثبت می‌تواند مورد بحث باشد که در بخش دوم بدان خواهیم پرداخت.

پایان شخص حقوقی از جمله شرکتها البته با پایان یافتن شخص حقیقی متفاوت است و با ختم تصفیه صورت می‌پذیرد. موارد انحلال شرکتهای تجارتي در مواد مختلف از جمله م ۱۹۹ ل.ا.ق.ت و م ۱۶۱ ق.ت آمده است. اما با توجه به اینکه طبق ماده ۲۰۸ ل.ا.ق.ت تا خاتمه امر تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند، آنچه در پایان نامه حاضر اهمیت دارد امضاهایی است که بعد از انحلال در دوران تصفیه شرکتهای تجارتي صورت می‌گیرد که در بخش دوم بدان خواهیم پرداخت.

مبحث دوم: ماهیت و ابراز اراده اشخاص حقوقی

تحلیل صحیح امضای اشخاص حقوقی، به دلیل اینکه صادر کنندگان امضا، مدیر یا نمایندگان آنها می‌باشند، نیازمند تحلیل جایگاه مدیران در شخص حقوقی است و این مهم (تحلیل جایگاه مدیران)، از طریق تحلیل دقیق ماهیت شخص حقوقی بدست می‌آید. به همین دلیل، این مبحث پایه و اساس تحقیق را تشکیل می‌دهد و تمام مباحث آتی بر پایه نتیجه این مبحث مورد مطالعه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

گفتار اول: ماهیت شخص حقوقی

در بیان مبنای شخص حقوقی نظرات مختلفی ارائه گردیده است:

پاره‌ای از علمای حقوق نظریه «واقعی بودن شخص حقوقی» را مطرح ساخته و با توجه به ارزش و اهمیت غیر قابل انکار شخص حقوقی در زندگی اجتماعی، برای این موجود، وجودی اصیل، عینی، خارجی و واقعی قائل شده‌اند. مطابق این نظریه، شخص حقوقی درست مانند شخص حقیقی، از اراده و تصمیم و اعضا و جوارحی (اندامی) که وسیله حرکت و اجرای مقاصد او باشد، برخوردار است. این اندام همان ارکان و سازمان‌های شخص حقوقی می‌باشد و شخص حقوقی بدون این ابزارها و اندام‌ها نمی‌تواند وجود داشته باشد. همانگونه که شخص حقیقی برای انجام کارها از اندام و اعضای خود بهره می‌گیرد، شخص حقوقی نیز هر کار یا نقشی را خود بر عهده می‌گیرد، به گونه‌ای که می‌توان گفت: او مستقیم و بدون واسطه و میانجی، کار خود را انجام و حقوق و تکالیف خویش را اعمال می‌کند.^۱

۱. صفار، محمد جواد؛ شخصیت حقوقی، تهران، بهنامی، ۱۳۹۰، چاپ اول، صص ۱۱۷-۱۱۸.